

## تحلیل گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله

یوسف عارفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۰۲ / ۰۹ / ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۹ / ۱۳۹۹

### چکیده

پرسش از هویت و چرایی تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، موجب تکوین این پژوهش شده است. اگر گفتمان به معنای کلیت ساختاردهی شده از عمل مفصل‌بندی باشد که بر محور یک دال مرکزی و کانونی سازمان گرفته است و فهم انسان از واقعیت‌های جهان را تشکیل می‌دهد، در این صورت، می‌توان المصطفی صلی الله علیه و آله را به‌عنوان یک گفتمان معرفتی تصویر کرد که بر محور دال مرکزی اسلام شیعی مفصل‌بندی شده است و در صدد ارائه‌ی فهمی از واقعیت جهان است. این پژوهش، از منظر نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، به گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله نگریده است؛ گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله در ذیل گفتمان ولایت فقیه و در حاشیه‌ی هژمونی آن متولد شده است و از سیاست‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگی گفتمان ولایت فقیه به حساب می‌آید. هویت هر گفتمانی از نسبتی که با دیگر گفتمان‌ها برقرار می‌کند احراز می‌شود. در این نوشته، هویت گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله از نقطه نظر نسبت آن با گفتمان سلفی، بررسی شده است. نشانه‌ها و اصولی که نظام معنایی گفتمان المصطفی صلی الله علیه و آله را از نظام معنایی گفتمان سلفی متفاوت می‌سازد، در حد امکان، نشان داده شده است و برای تکمیل دایره‌ی این تفاوت‌ها و تمایزها، اهداف، مسایل و موضوعاتی که در گفتمان المصطفی صلی الله علیه و آله مطرح است نیز بررسی شده است.

**کلید واژه‌ها:** گفتمان، تحلیل گفتمان، گفتمان سلفی، نظام معنایی، غیریت‌سازی و هژمونیک.

**استناد فارسی (شیوه APA)** ویرایش ششم، ۲۰۱۰: عارفی، یوسف (۱۳۹۹، زمستان). «تحلیل گفتمان علمی فرهنگی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۷۴-۴۹.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته سطح سه حوزه، پژوهشگر اندیشکده افغانستان، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله، قم، ایران.

ایمیل: y\_arefii@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

گفتمان از مفاهیم پیچیده و مبهم زمانه ما و مشهورترین برابر نهاده‌ی واژه «discourse» در زبان فارسی است. تکثر معنایی و ارجاعات مدلولی متفاوت این واژه، چیزی نیست که مخفی باشد. رجوع به دایره المعارف‌های رشته‌های مختلف و توجه در ادبیاتی که در این زمینه و با این مایه بسط یافته است، اثبات کننده‌ی تکثر معنایی گفتمان و چند وجهی بودن آن است؛ از این رو، گریزی جز تصریح به این که گفتمان مفهومی چندوجهی، مبهم و مناقشه برانگیز است، نیست.

صرف نظر از ریشه‌های تاریخی این مفهوم که می‌توان آن را تا متون کلاسیک یونان دنبال کرد، تعریف جدید از آن، نزد اندیشمندان متعدد به مدلول‌های متنوعی رجوع می‌دهد به طوری که هر یک از این افراد مفهوم خاص خود را در این واژه برجسته کرده و به آن پرداخته است. این تفاوت معنایی و اهمیت به حدی است که در دو - سه دهه‌ی اخیر، نویسندگان و سخنرانان آکادمیک غربی، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود، وقتی که این مفهوم را به کار می‌برند بر این نکته تأکید می‌کنند و معنای مرادشان را به طور مشخص بیان می‌دارند (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۰).

می‌توان یک گفتمان را به کمک نهادها و تأسیساتی که به آن‌ها مربوط است و نیز بر اساس موقعیت یا موضعی که گفتمان از آن برمی‌خیزد، دسته‌بندی و مشخص کرد؛ اما هویت هر گفتمانی را نوع رابطه‌اش با گفتمان‌های مخالف، تعیین می‌کند و هر گفتمان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق نسبتش با گفتمان‌های دیگر متمایز و مشخص می‌شود و هر گفتمان به مسایل، موضوعات و اهداف معینی می‌پردازد و معطوف به آن اهداف و مسایل، مفاهیم و مضامین خاصی را تولید می‌کند و توسعه می‌دهد؛ در حالی که مفاهیم دیگری را کنار می‌گذارد. گفتمان‌های مختلف، مفاهیم<sup>۱</sup> و مقولات<sup>۲</sup> مختلفی ارائه می‌کنند. پاره‌ای مواقع، می‌توان مفاهیمی را که در چارچوب یک گفتمان ارائه شده، برگرفت و در گفتمانی دیگر بازاندیشی و ارائه نمود؛ ولی همیشه چنین نیست. گفتمان‌های متفاوت، نظام‌های معنایی متفاوتی می‌سازند و در دل این نظام‌های معنایی متفاوت است که امکانات لازم برای معنی، جفت و جور می‌شود و به کمک موضع اجتماعی و نهادینی که گفتمان از آن برمی‌خیزد در قالب معانی معینی قرار می‌گیرد و یا معانی مشخصی پیدا می‌کند. واژه‌ها، کلمات، تعابیر، اصطلاحات، فرضیات و نظایر آن بر حسب موضعی که توسط کارورزان یا استفاده کنندگان آن‌ها اتخاذ می‌شود، معنای خود را تغییر می‌دهند (مک دائل، ۱۳۷۷: ۴۱). حال سؤال این است که گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله چرا و چگونه به وجود آمد؟ هویت این گفتمان در ارتباط با کدام گفتمان یا گفتمان‌ها تعیین می‌شود؟ به چه مسایل، موضوعات و اهدافی متمرکز است؟ چه مفاهیم، نشانه‌ها و اصولی را تولید می‌کند و توسعه می‌دهد؟

1. Concepts

2. Categories

این نوشته بر محور این سئوالات و پاسخ به آن‌ها شکل گرفته است. قبل از پرداختن به پاسخ‌ها، ناگزیر باید چند مبحث کلی تمهیدی مانند مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی مطرح گردد تا روی هم‌رفته حداقل استانداردهای سهولت و فهم‌پذیری مباحث تأمین شود.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. گفتمان

مفهوم گفتمان<sup>۱</sup>، امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی درآمده و حجم عظیمی از مطالعات اجتماعی در حیطه‌های مختلف علوم اجتماعی، اعم از انسان‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی را به خود اختصاص داده است (سرایبی، فتحی و زارع، ۱۳۸۷). شاخه‌های گوناگون علمی، هر کدام معنا و مفهوم جدیدی از گفتمان ارائه کرده‌اند؛ واقعیتی که این مفهوم را به مفهومی میان رشته‌ای با گستره معنایی فراخ تبدیل کرده است (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۵۱). بر این اساس، مفهوم گفتمان دارای معانی متعددی است؛ هرگاه این واژه در رشته‌های تخصصی گوناگون به کار رود، ابهام در معنا یا معانی متضاد آن مشاهده خواهد شد (نوریس، ۱۳۸۵: ۱۹)؛ شاید از همین رو است که ون دایک، در اعتراف آشکار می‌نویسد:

«کاش می‌توانستیم آن‌چه را درباره گفتمان می‌دانیم به شکلی فشرده در تعریفی ساده بگنجانیم اما متأسفانه مفهوم گفتمان نیز مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم است» (دایک، ۱۳۸۲: ۲۹).

در دیدگاه او گفتمان، شکل خاصی از کاربرد زبان به علاوه‌ی شکل خاصی از تعامل اجتماعی است که به صورت یک رویداد ارتباطی کامل در موقعیت اجتماعی تفسیر می‌شود (کوبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۰).

فرکلاف نیز با نوعی اذعان به عدم توان ارائه تعریف روشن و جامع از این مفهوم، تصریح می‌کند که از گفتمان دو تعبیر وجود دارد؛ یک تعبیر از آن، در قالب زبان و کلام و گفتار یا سخن است اما تعبیر دیگر آن، فرازبانی است و بسترهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در آن دخیل است. در تعبیر اول، به صورت، شکل و فرم زبان توجه می‌شود و در تعبیر دوم به زمینه‌مندی یا دخالت عوامل برون زبانی (اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) یا فرازبانی توجه دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

<sup>۱</sup>. Discourse

## ۲-۲. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان<sup>۱</sup> گرایش بین رشته‌ای<sup>۲</sup> در علوم اجتماعی است و به مطالعاتی اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای یا هرگونه پدیده نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند (یحیایی، ۱۳۹۰). تحلیل گفتمان به معنای در نظر داشتن گفتمان در تحلیل و به عبارتی در نظر داشتن رویکرد گفتمان در تحلیل است و از جمله روش‌های است که می‌تواند برای دست‌یابی به سطحی از داده‌ها استفاده شود. تحلیل گفتمان یک رویکرد میان رشته‌ای پیچیده و گسترده‌ای است که شامل رویکردهای روش‌شناختی و نظری متفاوت از زبان‌شناسی گرفته تا مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و علوم سیاسی می‌شود. در زمان حاضر، گونه‌های مختلفی از تحلیل گفتمان در دسترس است و توانسته است متدهای جدید تحقیق و نیز شیوه‌های جدید مفهوم‌سازی را ارائه کند (کلاتنری و همکاران، ۱۳۸۸).

## ۳. رویکردهای نظری در گفتمان

گفتمان امروزه محصور و منحصر به رویکردهای زبان‌شناسانه نیست، بلکه رهیافت‌های دقیق و مطرح نظری به گفتمان نیز به میدان آمده‌اند که بسیار پر طرفدار و بلند آوازه‌اند. در یک تقسیم بندی از چهار رهیافت مطالعات گفتمانی فوکو، لاکلائو و موفه، تحلیل گفتمان انتقادی و روانشناسی گفتمانی نامبرده می‌شود (یورگنسن و لوئیز، ۱۳۸۹: ۱۸). این چهار رویکرد را نیز به دو دسته متن محور (زبانی) و اندیشه محور تقسیم می‌کنند. رویکرد تحلیل گفتمان ساختگرا (زلیک هریس)، نقش‌گرا (هالیدی) و تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف و ون‌دایک) در زمره رویکردهای متن محور قرار می‌گیرند که گفتمان را نوعی متن (گفتاری و نوشتاری) محسوب می‌کنند، از زاویه مطالعات زبانی به تحلیل گفتمان می‌نگرند. رویکردهای زبانی به تحلیل «کاربرد زبان در یک موقعیت مشخص» توجه دارند و بر نمونه‌های مشخص از تعاملات اجتماعی متمرکز می‌شوند (یورگنسن و لوئیز، ۱۳۸۹: ۱۶۵). در مقابل رویکرد فوکو، لاکلائو و موفه و کسانی مانند یورگنسن و فیلیپس گفتمان را به مثابه یک نظام اندیشه‌ای در نظر می‌گیرند. ناگفته پیداست که نظریه گفتمان، رویکرد معرفت‌شناسانه به اندیشه و عقاید نیست، از همین رو، کاری به صدق و کذب اندیشه‌ها و عقاید ندارد و امکان بررسی صدق و کذب یا راز آلود بودن اندیشه‌ها را یا رد می‌کند و یا به تعلیق می‌گذارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

این نوشته از منظر تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه که یک رهیافت نظری است به گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله نگریسته است؛ زیرا المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله پدیده‌ای علمی و

1. Discourse Analysis

2. Interdisciplinary

فرهنگی است و رهیافت‌های نظری به گفتمان با ابزار مفهومی و نظری که ارائه می‌دهد بهتر از سایر رویکردها توان تحلیل نظام‌های علمی و فرهنگی و چگونگی فراز و فرود اندیشه‌ها و ستیز آن‌ها با همدیگر را دارا است، از همین رو، برای بررسی، توضیح و چگونگی تکوین و هژمونیک شدن آن در میان رویکردهای دیگر به گفتمان از مناسب‌ترین رویکردهاست. با این رویکرد می‌توان توصیف دقیق، متفاوت و نظام‌مند از خصایص و عناصر و چگونگی شکل‌گیری و رشد جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله ارائه داد. به عبارتی دیگر، تحلیل گفتمان، بر خلاف تلقی ابتدایی از آن، در نظریه لاکلاو و موفه، صرفاً رویه‌ای در تحلیل یافته‌ها نیست، بلکه یک کل روش‌شناختی و نظری است که هم مشتمل بر مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است و هم در بر گیرنده‌ی مدل نظری و ارائه دهنده‌ی خطوط راهنمای روش‌شناختی در بررسی موضوعات خاص (شجاعی زند و قجری، ۱۳۸۷). گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله از این جهت که یک پدیده و جریان فکری فرهنگی است و اصل و اساس آن بر اندیشه، دانش و نظام‌های فکری استوار است، تحلیل گفتمان مناسب‌ترین نظریه برای تحلیل این پدیده و جریان است؛ زیرا تحلیل گفتمان، مدل نظری منسجم و روش مناسب برای توصیف و تحلیل ساختار نظام‌های فکری و فرهنگی دارد و با استفاده از تحلیل گفتمان که یک رهیافت معنا کوانه است، بهتر از هر رهیافت نظری دیگری می‌توان به عمق معنایی و ژرفای پدیده‌های فکری فرهنگی دست یافت و به درک و دریافت بهتر و عمیق‌تری رسید.

حال باید به سؤالاتی که این نوشته برای پاسخ گفتن به آن‌ها تکوین یافته است، بپردازیم. اولین سوال این است که گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، چرا و چگونه متولد شد؟

#### ۴. چرایی و چگونگی تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی

در بررسی چرایی و چگونگی تولد این گفتمان شایسته است حداقل دو محور یکی نسبت تولد این گفتمان با هژمونیک شدن گفتمان ولایت فقیه و دیگری نقش سیاست و سیاست‌گذاری در تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله بررسی شود.

#### ۴-۱. نسبت تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی با هژمونیک شدن گفتمان

##### ولایت فقیه

چارچوب تحلیل گفتمان این قابلیت را دارد که به ابعاد و زوایایی مختلف چرایی و چگونگی تولد و هژمونیک شدن یک گفتمان و غلبه آن به گفتمان‌های رقیب بپردازد. گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی قابل تحلیل و تبیین است، به این معنا که

هژمونیک شدن گفتمان ولایت فقیه و تکوین جمهوری اسلامی در ایران در حاشیه خود یک گفتمان معرفتی را پدید آورد که مدعی ترویج و تبلیغ اسلام و معارف شیعه در سطح بین‌الملل است.

دین اسلام و مذهب شیعه، همواره قرائت‌های متفاوت داشته است که با همدیگر رقابت می‌کرده‌اند. قبل از انقلاب، قرائت‌های غیرانقلابی تقریباً بر حوزه‌های علمیه مسلط بودند. اما با شروع انقلاب، قرائت اسلام انقلابی، توانست هژمونیک شود. از منظر نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، اگر به این قضیه بنگریم، سه خصوصیت «در دسترس بودن»، «قابلیت پذیرش و اعتبار» و «استیلا» موجب شد که این گفتمان بر دیگر گفتمان‌های موجود غلبه کند.

استیلا زمانی حاصل می‌شود که یک پروژه یا نیروی سیاسی بتواند نقش تعیین‌کنندگی قواعد و معنا را در یک صورت‌بندی خاص به دست آورد. اسلام انقلابی، توانست این نقش را به خوبی ایفا کند و مفاهیم و معانی و قواعد مورد نظر خویش را در صورت‌بندی خاص برجسته سازد و نظام معنایی گفتمان‌های دیگر را به حاشیه راند. رفتار استیلاجویانه، اغلب شامل به کارگیری قدرت است؛ زیرا طی آن یک پروژه سیاسی می‌کوشد تا خواسته خود را بر دیگران تحمیل نماید. ویژگی در «دسترس بودن» با نیازی که به دال‌های شناور وجود دارد تعریف می‌شود. لازمه استیلاجویی، در دسترس بودن دال‌های شناوری است که توسط گفتمان‌های موجود تثبیت نشده‌اند. هدف رفتارهای استیلاجویانه مفصل‌بندی عناصر حدوثی در یک پروسه سیاسی در حال توسعه و در نتیجه معنا بخشیدن به آن‌هاست.

به عبارتی دیگر، در فرایند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها، دال‌های شناور در عرصه اجتماع را همانند قطعات به هم ریخته‌ی یک پازل، به گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه‌فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی اجتماعی به دست دهد. این همان «قابلیت دسترسی» است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹ و ۵۰).

گفتمان اسلام انقلابی (ولایت فقیه) در جامعه ایران، هم قابلیت پذیرش و اعتبار داشت و هم در دسترس بود، به این معنا که با اندیشه و فرهنگ تمامی اقشار جامعه هم‌خوانی داشت، از همین رو، توانست در برابر گفتمان سلطنت، گفتمان ملی‌مذهبی، گفتمان چپ و گفتمان شیعه غیر انقلابی، پیروز شود. به تعبیر دکتر تاجیک گفتمان اسلام انقلابی که به وسیله امام ارائه شد، آنچنان مقبولیت و اعتبار داشت و در دسترس بود که نه تنها بر موج اندیشه‌ها که بر سپهر روح و جان مردمی رنج کشیده و تحقیر شده جا می‌گرفت، و انسان‌ها نه به حکم عقل که به حکم عشق پرچمش را به دوش کشیدند (تاجیک، ۱۳۸۷). فلذا این گفتمان توانست شاه را از قدرت براندازد و جمهوری اسلامی را پایه‌ریزی کند. از همه مهمتر، توانست اسلام را به منزله دال برتر نظم سیاسی جدید معرفی کند. لاکلاو از مفهوم «قابلیت دسترسی» استفاده می‌کند تا تبیین کند که چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها به نسبت دیگران با استقبال و موفقیت بیشتری روبرو می‌شوند. در ظاهر چنین القا می‌کند که اگر بحران اجتماعی به اندازه کافی شدید باشد، به طوری که سراسر نظم گفتمانی را

متزلزل سازد، تنها قابلیت دسترسی کافی است تا پیروزی گفتمان خاصی را تضمین کند (حقیقت، ۱۳۸۷). به اعتقاد بابی سعید امکان پیروزی یک گفتمان، به علت ویژگی‌های ذاتی آن نیست، بلکه فقط به این دلیل است که گفتمان، تنها ساخت منسجم در دنیای کلاماً آشفته دیگر است (بابی سعید، ۱۳۷۹). از نگاه گفتمانی اساساً، خصایص ذاتی یک نظام فکری سبب برتری و هژمونیک شدن آن گفتمان نمی‌شود؛ زیرا اگر چنین بود باید چنین نظامی همواره هژمونیک باشد، در حالی که آن نظام فکری همیشه بر نظام فکری رقیب فائق نمی‌آید. از این دیدگاه، بیش از هر چیز شرایط و عوامل هژمونیک شدن یک اندیشه مهم است نه قابلیت‌های ذاتی آن.

#### ۴-۲. نقش سیاست و سیاست‌گذاری در تولید گفتمان علمی فرهنگی المصطفی

نهاد سیاست، جهت کنترل فرهنگ از یکسو، و بهره‌مندی از توانمندی‌های عرصه فرهنگ از سوی دیگر، دست به دخالت و ساخت و ساز در عرصه فرهنگ می‌زنند. مفهوم «سیاست‌گذاری فرهنگی» بیان دیگری از دخالت و ساخت و ساز یک قدرت مسلط بر عرصه فرهنگ است. این دخالت‌ها، اغلب سبب تغییر و تحولات در عرصه فرهنگ می‌شود و این عرصه به مثابه یک نیروی اجتماعی، بر اساس سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها سامان و سازمان می‌گیرد. رویکرد نظری به گفتمان، فرهنگ را نوعی تولید دانش و معنا می‌داند. فرهنگ در برگیرنده دانش است و دانش بخشی از ذخیره فرهنگ به حساب می‌آید؛ زیرا فرهنگ مشتمل بر مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها، باورها و اعتقادهای بنیادین است که به صورت زبان، آداب و عادات، حقوق و مقررات، ادبیات، اساطیر، علوم، معارف، فلسفه‌ها و ادیان مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کنند. بنابراین، هدف تولید دانش نوعی تولید فرهنگ است (رحمانی، ۱۳۹۳: ۲۴؛ پورعلی و فیرحی، ۱۳۹۴). و سیاست‌گذاری‌های علمی نوعی سیاست‌گذاری فرهنگی است.

سیاست‌گذاری از طریق زبان و بازنمایی انجام می‌شود. زبان یکی از عناصر فرهنگ و از رسانه‌های ممتازی است که معنا به واسطه آن تولید و پخش می‌شود. اعضای یک فرهنگ هم باید معناهای مشترک و هم نوعی زبان و نظام بازنمایی مشترک داشته باشند تا بتوانند آنچه شما می‌گویید را به آنچه که من درک می‌کنم و برعکس ترجمه کنند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۲۱). این سه مؤلفه فرهنگی، یعنی معنا، زبان و بازنمایی در تدوین هر نوع سیاست و سیاست‌گذاری به ویژه سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی نقش محوری دارند. بازنمایی فرایندی است که سه عنصر چیزها (اشیا)، مفاهیم و زبان (نشانه‌ها) را با هم پیوند می‌زند تا تولید معنا شود. زبان از طریق بازنمایی عمل می‌کند.

بازنمایی تحت نظر قدرتی خاص و با هدف تدوین سیاست‌های مشخص، تولید و توزیع می‌شود و در کنترل سیاست‌گذار مسلط قرار دارد، یعنی فرد، نهاد یا افرادی که مشروعیت و مقبولیت مفاهیم

را تعیین می‌کند. این که چه معنا، مفاهیم و قواعدی مشروعیت می‌یابند و چه معانی، مفاهیم و قواعدی مقبولیت ندارند از اختیارات سیاست‌گذار است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹).

اساساً، سیاست‌گذاری فرهنگی نوعی پروژه گفتمانی و در راستای تأمین اهداف گفتمان مسلط اجتماعی و سیاسی است (اشترینان، ۱۳۹۱: ۱۳۰). حال، اگر گفتمان معرفتی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله نوعی سیاست‌گذاری فرهنگی از سوی گفتمان مسلط، یعنی گفتمان ولایت فقیه باشد، که هست، پس باید این گفتمان در راستای تأمین اهداف فرهنگی معرفتی گفتمان مسلط باشد؛ از جمله این اهداف تأمین یا تثبیت مقبولیت بین‌المللی از طریق ترویج اسلام شیعی و فرهنگ اسلامی در سطح بین‌الملل است. در حقیقت، نظام جمهوری اسلامی در صدد است از طریق ایجاد یک فضای گفتمانی معرفتی و جذب مخاطب از سراسر جهان و از تمام فرهنگ‌ها و اقوام، در جهت‌دهی رفتارهای فرهنگی معرفتی در سطح بین‌الملل نقش آفرین باشد و از طریق ترویج معارف اسلام شیعی و تولید معرفت‌های سازگار با این اسلام، رفتارهای فرهنگی را در جهت تأمین اهداف فرهنگی و معرفتی خود رهبری کند. جهت‌دهی رفتارهای معرفتی فرهنگی با این ساز و کار می‌تواند از راه‌های هژمون شدن اسلام شیعی باشد و هژمون شدن اسلام شیعی با مقبولیت عمومی گفتمان ولایت فقیه رابطه مستقیم دارد؛ زیرا این گفتمان از متن اسلام شیعه و آموزه‌های آن متولد شده است.

با این اوصاف اگر بخواهیم کارکرد فرهنگی گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله را در یک جمله خلاصه کنیم، این گفتمان نوعی خاکریز فرهنگی است که در نبرد فرهنگی با «غیر» و «ضد»، تلاش می‌کند مرزهای هویت فرهنگی را تعیین و از آموزه‌ها، معارف و عمق استراتژیک فکری و فرهنگی شیعه دفاع کند. دفاع از هویت فرهنگی شیعه به شکل غیر مستقیم دفاع از ارزش‌های گفتمان ولایت فقیه نیز محسوب می‌شود؛ زیرا این گفتمان برگرفته از این فرهنگ است و هویت کاملاً شیعی دارد.

## ۵. هویت گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

فهم یک گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت<sup>۱</sup> و غیریت<sup>۲</sup> امکان‌پذیر نیست. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. شاید از همین رو است که لاکلاو و موفه، برای شکل‌گیری هویت‌ها، بر لزوم وجود «غیر» یا «ضد» تأکید می‌کنند و معتقدند که هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است و گفتمان‌ها به همین جهت، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (کسرای و پوزش

1. Antagonism

2. Otherness



شیرازی، ۱۳۸۸). از نظر لاکلاو و موفه، نخستین گام در شناخت یک گفتمان، شناسایی فضای نزاع و تخاصم آن گفتمان با گفتمان‌های دیگر است. در پرتوی این نزاع و تخاصم است که یکی از آن‌ها خصلتی هژمونیک می‌یابد و دیگر گفتمان‌ها را به حاشیه می‌راند (حقیقت، ۱۳۹۳).

مطالعه و بررسی ساختار نظام معنایی یک گفتمان بدون توجه به غیر آن و شناسای فضای تخاصم، نتیجه‌ای ندارد. چنین بررسی‌های در صورتی نتیجه بخش است که آن گفتمان در مقابل غیر و دشمن خود قرار گیرد و ساختار نظام معنایی آن دو به صورتی تطبیقی مطالعه و بررسی شود. اگر هویت گفتمان‌ها در رقابت و ضدیت با گفتمان یا گفتمان‌های غیر و در فرایند غیریت‌سازی آشکار یا تعیین می‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که هویت گفتمان علمی فرهنگی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله در ارتباط با کدام گفتمان یا گفتمان‌ها تعیین می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال، می‌توان گفت که ممکن است در برابر یک گفتمان، غیرهای متعددی وجود داشته باشد که آن گفتمان از آن‌ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده نماید. ارتباطی بودن هویت گفتمان‌ها و این واقعیت که هویت هر گفتمانی، از نسبی است که با دیگر گفتمان‌ها برقرار می‌کند، احراز می‌شود، دلیل بر این است که یک گفتمان به تعدادی غیرهای خود، می‌تواند هویت داشته باشد؛ زیرا در فرایند غیریت‌سازی، لازم است در برابر هریک از گفتمان‌های غیر، نظام معنایی خود را به نحوی تنظیم و ارائه کند که بتواند با نظام معنایی گفتمان رقیب مقابله کند. در حقیقت، برای بررسی ساختار نظام معنایی یک گفتمان باید آن را در مقابل ساختار نظام معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط درگیری و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد؛ بنابراین، یک گفتمان بسته به غیرهای خود، می‌تواند هویت‌های مختلف داشته باشد و می‌تواند غیرهای یک گفتمان را به طور کلی به غیر داخلی و غیر خارجی تقسیم و رتبه‌بندی کرد. برای اینکه هویت گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله در برابر گفتمان سلفی به طور مشخص آشکار شود، نیاز به شناسایی فضای تخاصم است و این شناخت بدون بررسی تطبیقی ساختار نظام معنایی هردو گفتمان امکان‌پذیر نیست. بدین منظور ناگزیر از بصیرت‌هایی در زمینه گفتمان سلفی هستیم.

## ۶. گفتمان سلفی

سلفی‌گری گفتمانی است که دال‌های شناوری چون «توحید»، «شُرک»، «تکفیر»، «ایمان»، «نفاق»، «جهاد» و ... را حول دال مرکزی «اسلام سلفی» مفصل‌بندی کرده، و در «زنجیره‌ی هم‌ارزی»، به آن دال‌ها معنای خاص بخشیده‌است. به این معنا که بر مبنای ساختار نظام معنایی خود، مدلول سازگار با این نظام معنایی را در این دال‌ها «برجسته ساخته» و مدلول‌های دیگر را به حاشیه رانده است. ترکیب این دال‌ها در یک زنجیره‌ی معنایی، در مقابل یک «دگر» و «غیر» که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند.

## ۶-۱. تبارشناسی گفتمان سلفی

تبار سلفی‌گری به جریان «اهل حدیث» و «ظاهرگرایی» در قرن سوم هجری باز می‌گردد. اهل حدیث در برابر «اهل رأی»، یعنی «عقل‌گرایان» در منابع استنباط احکام بر کفایت نقل (کتاب و سنت) و عدم حجیت رأی (عقل) و اجتهاد شخصی حکم می‌دادند. سلفیه به دنبال بازگشت به اصول و بنیادهای اولیه و دوران باشکوه و طلایی گذشته است. آنان بر این اصل اعتقادی تأکید دارند که باید اساس دین، بر قرآن و ظواهر احادیث صحیح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحاب او نهاده شود و در پی آن هستند که این آیات و روایات بدون هرگونه تغییر و تأویل مورد استناد و عمل قرار گیرد (جنتی، ۱۳۹۰: ۱۰). مهم‌ترین شعار سلفیان زدودن خرافه و بدعت از دین و بازگشت به اسلام اصیل و قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. به همین دلیل است که آن‌ها را جریان سلفی‌گری می‌نامند. ابن تیمیه حنبلی که منشأ اصلی سلفی‌گری به عنوان یک جریان فکری نظام‌مند است، معتقد بود که عقل، فلسفه، تشیع و تصوف، بدعت است و تنها راه جلوگیری از این بدعت سلفی‌گری است (موثقی، ۱۳۸۰: ۱۵۶-۱۴۵). بر مبنای این نگرش در شرایط بدعت، بهترین راه، بازگشت به متون دست‌نخورده و پیروی از بایدها و نبایدها، بدون دخالت عقل بشری در فهم، تأویل، تحلیل و تعلیل نص است (حنفی، ۲۰۰۲: ۷۸). در چنین اطلاقی، سلفی‌گری با عقل‌گریزی و رد مطلق هر امر جدید و در نتیجه رد کل آموزه‌های دنیای مدرن شناسایی می‌شود. جریان‌اتی مثل القاعده، طالبان، داعش و گروه‌های سلفی افراطی دیگر، همه به‌نوعی با بسیاری از آموزه‌ها و پدیده‌های سیاسی و فرهنگی دنیای مدرن مخالف هستند و «عقل‌گریزی» از شاخصه‌های این گروه‌ها و جریان‌ات است (ابراهیمی، ۱۳۸۹).

## ۶-۲. فرایند تکوین و شکل‌گیری گفتمان سلفی

شکل‌گیری گفتمان سلفی‌گری، که گونه‌ای از بنیادگرایی نوین دانسته شده است، از مهم‌ترین رویدادهای فکری در تاریخ اسلام محسوب می‌شود. سلفی‌گری یک گفتمان و جریان فکری است و در تبارشناسی این جریان و تاریخ تحول آن، نقاط عطف خاصی در تاریخ اسلام وجود دارد و نظریه‌پردازان بسیاری در پیدایش، تکمیل و صورت‌بندی این گفتمان، نقش بازی کرده‌اند. احمد بن حنبل، ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، ولی‌الله دهلوی و سید قطب از مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین نظریه‌پردازان این گفتمان هستند و هر یک، سهمی خاص در صورت‌بندی این گفتمان داشته‌اند.

روی هم‌رفته در تکوین گفتمان سلفی‌گری پنج مرحله قابل شناسایی است: مرحله نخست که مفصل‌بندی نظری این گفتمان خوانده می‌شود، به وسیله‌ی ابن تیمیه و تحت نفوذ تعالیم احمد بن حنبل در قرن هفتم و هشتم هجری شکل گرفت. مرحله دوم، مرحله تطبیق و اجرا بود که توسط محمد بن عبدالوهاب و جانشینان وی در اواسط قرن دوازده و اوایل قرن سیزده هجری و در محیط

محدود حجاز به آزمایش در آمد. مرحله سوم تبدیل آن به یک نحله نیرومند و اثرگذار در سراسر جهان اسلام از هند و پاکستان در آسیا گرفته تا مصر و الجزایر در افریقا بود که از جنگ جهانی اول به بعد و تحت حمایت مالی عربستان آغاز شد. مرحله چهارم تبدیل اندیشه سلفی به یک ایدئولوژی انقلابی در قرن بیستم و ظهور پدیده گروه‌های سلفی سیاسی و جهادی در کشورهای مختلف است. این مرحله بیش از همه متأثر از افکار سید قطب است. مرحله پنجم تحولات پس از سقوط گروه طالبان در افغانستان و هم‌زمان با وقوع بهار عربی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا است. از این مرحله به‌عنوان نوسلفیسم نیز یاد می‌شود (شریعتی، ۱۳۹۲).

## ۷. گفتمان علمی فرهنگی جماعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و گفتمان اسلام سلفی

به‌طور خلاصه، گفتمان سلفی، با اصرار بر ظواهر قرآن و سنت، هیچ‌گونه، گرایش عقلی، فلسفی و کلامی در حوزه دیانت را بر نمی‌تابد، با این وجود مدعی نمایندگی انحصاری از اسلام است و تنها جریان سلفی را جریان اسلامی می‌داند. عقل‌گریزی مفرط، سبب شده است که شاخه‌های افراطی این گفتمان، هر امر جدید و کل آموزه‌های دنیای مدرن را مردود شمارند، وجود احزاب سیاسی و پدیده‌های سیاسی اجتماعی مانند انتخابات، دموکراسی و مشارکت مردم در مناسبات و معادلات سیاسی را تقلید از کافران و حرام اعلان کنند. در این نگرش، مسلمانی و عدم مسلمانی، منوط به اعتقاد یا عدم اعتقاد به ایدئولوژی سلفی است، از همین‌رو، هر کسی سلفی نباشد و مانند سلفیان اندیشه نکند، «دشمن» و «غیر» تلقی می‌شود و گروه‌های اسلامی غیر سلفی به شدت و حدت تکفیر می‌شوند و به سه گروه کافران، مشرکان و منافقان، دسته‌بندی می‌گردد. منظور از کافران، مسیحیان و یهودیان هستند. از آن‌ها به‌عنوان دشمنان صلیبی نیز یاد می‌کنند. در این گفتمان احترام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام، زیارت قبور آنان، اعتقاد به شفاعت و ... نوعی شریک قرار دادن برای خدا پنداشته می‌شود و شیعیان را بدین دلیل مشرک می‌دانند. اما منافقان، آن دسته از اهل سنت هستند که سلفی نیستند و با مرام و مسلک سلفی‌ها در جهان اسلام مخالف‌اند (وصالی مزین، ۱۳۸۶: ۳۰). هدف قرار دادن مساجد و اماکن مقدس و تخریب و تجاوز به آن‌ها نشان دهنده باور متصلب و غیر معقولی است که از سوی گفتمان سلفی ترویج و تبلیغ می‌شود و نشان از نبود وجه ایجابی در این گفتمان است. اساساً گفتمان سلفی را سازه‌های انبوه متراکم از تفکرات سلبی شکل داده است، به‌نحوی که وجود آلت‌رناتیو روشن و تفکر و یا اعتقاد سازنده در گفتمان سلفی به امری غریب و غیر قابل انتظار تبدیل شده است. ضدیت با تفسیر، رفتار ستیزه جویانه و مطلق‌گرایانه، ناتوانی از بیرون رفتن از فضای فرهنگی خود، برتر دانستن فرهنگ و باورهای خویش، مخالفت با نوگرایی و رفتارهای خشونت‌آمیز از محورهای اساسی گفتمان سلفی است (نظری، ۱۳۸۷).

در مقابل گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، با دالّ مرکزی اسلام شیعی حول محور تعقل، مدارا و هم‌پذیری مفصل‌بندی شده است این گفتمان، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلانی اسلام شیعی، برای عقلانیت، تفکر و مناسبات نیکو با سایر مذاهب اسلامی و سایر ادیان جایگاه ویژه قایل است و می‌کوشد نگرش جدید و متمایزی خود نسبت به عالم و آدم را در معرض دید جهانیان قرار دهد. هر گفتمانی، در عین اثبات خودش، موارد دیگری را نفی می‌کند؛ یعنی برای اثبات هویت خود، الزاما باید «غیر» یا «دگری» نفی کند. این همان غیریت‌سازی است. به عبارت دیگر، هویت چیزی نیست جز آن چه که هر آدمی به وسیله آن، خویش را از دیگری باز می‌شناسد و کیستی و چیستی خود را در پرتو آن تعریف می‌کند، و این شناخت از خود و دیگری، جز در پرتو یک فرآیند معناسازی امکان‌پذیر نیست (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۲).

گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله از طریق غیریت‌سازی با گفتمان سلفی، در صدد است خود را به عنوان نماینده واقعی، زبان متمایز و قرآنتی متناسب از اسلام، معرفی کند. ابتدای این گفتمان بر اسلام شیعی به این گفتمان، ظرفیت و توانایی‌های بخشیده است که در غیریت‌سازی با نمونه‌های دیگر، می‌تواند هژمونی او را تمهید و حتی تأمین و تضمین کند. چنانکه نشانه‌ها و اصولی همانند معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی و احترام به سایر ادیان، مذاهب و باورها، به این گفتمان قابلیت‌های ویژه در هژمون شدن می‌دهد. عمومیت مخاطبین، دوری از تصلب و جزم‌گرایی، ترویج عقلانیت، ابتناء بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی، نشانه‌ها و ظرفیت‌هایی است که به این گفتمان قابلیت دسترسی و اقتناع و اعتبار می‌دهد

در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، درست است که تمرکز بر مفاهیم، معارف و پتانسیل‌های درونی اسلام شیعی است و با استفاده از عقلانیت فلسفی، عرفانی، کلامی، تفسیری و... این معارف و ساز و کارها، تفسیر، تبلیغ و ترویج می‌شود. اما با این حال، هرگز دست‌آوردهای ارزشمند بشر در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی با رد و انکار مواجه نمی‌شود و بر به کارگیری آن دست‌آوردها در رشد و توسعه ابعاد گوناگون حیات انسانی، تأکید و اصرار می‌شود.

## ۸. اعتدال، عقلانیت و مصلحت در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی

عدالت و اعتدال، خواست فطری و همگانی و مفهومی است که بشر همواره به‌عنوان یک آرمان و کمال مطلوب به جستجوی آن پرداخته و در رسیدن به آن اهتمام ورزیده است. از آموزه‌ها، ارزش‌ها و معیارهای ثابت در اسلام شیعی «عدالت خواهی» و «اعتدال» است. اعتدال به معنای ملازمت با راه میانه و دوری از زیاده روی و تفریط در کارهاست. چنان‌که حقیقت عدل، داشتن هماهنگی در امور و برقراری مساوات است (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق: ۲۳۱). در حوزه‌های شیعه و به تبع آن گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، این آموزه و «عقلانیت» و «مصلحت»، جایگاه و

پایگاه ویژه دارد. عدالت و اعتدال به عقلانیت و مصلحت منتهی می‌شود و تحقق این‌دو، عدالت و اعتدال را نتیجه می‌دهد. در حوزه علمیه شیعه و به متابعت از آن در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی، از اجتهاد به‌عنوان یک روش پویا و پایا برای آشکار سازی ظرفیت‌ها و معارف موجود در اسلام شیعی استفاده می‌شود. عقلانیت و مصلحت از ابزار مهم اجتهاد و عدل و اعتدال از ویژگی‌های اساسی است که مجتهد برای اجتهاد، ناگزیر باید متصف به آن باشد، یعنی همان‌طور که در غیبت، عقلانیت و مصلحت، اجتهاد عقیم است، در غیبت عدل و اعتدال، دست‌آورد اجتهاد غیرقابل پذیرش و نامعتبر است.

عقل در اصطلاح، ابزاری است که به وسیله‌ی آن می‌توان به واقعیت‌ها رسید و در فرایند اجتهاد، می‌تواند کشف‌کننده قانون باشد، قانونی را متناسب با شرایط و مقتضیات، تحدید کند یا آن را تعمیم دهد؛ به علاوه، می‌تواند مددکار و ابزار استنباط از سایر منابع و مدارک فقهی مثل قرآن و سنت و اجماع باشد (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۶). بنابراین، از رهگذر عقل اجتهادی در برخی موارد می‌توان با به دست آوردن ملاک‌های مصالح و مفاسد قوانین، نسبت به ثبات و تغییر احکام نظر داد. مثلاً اگر در جایی مقتضیات زمان عوض شود، به طوری که برای علم و عقل ثابت شود که مصلحت و ملاک حکمی تغییر نموده، حکم هم دچار دگرگونی می‌شود. در این موارد که عقل به ملاک‌های احکام پی می‌برد و علل احکام را کشف می‌کند، تبعاً حکم تغییر می‌یابد (سید باقری، ۱۳۹۰).

مصلحت در دستگاه اجتهاد، اصلی است که برای تدبیر امور جامعه و رعایت منافع مادی و معنوی امت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. این اصل، به عنوان یکی از عوامل رشد و تحول فقه سیاسی شیعه به حساب می‌آید و در حل مسایل سیاسی اجتماعی، عنصری است محوری و جانشین ناپذیر (رضائی جعفری و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به روش اجتهاد و جایگاه عقلانیت، اعتدال و مصلحت، در این گفتمان است که گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، توانسته است از نگاه محدود و تنگ فرقه‌ای عبور کند و به نگرش کلان راجع به «امت» برسد. سیاست‌ها و برنامه‌هایش معطوف به امت باشد، نه فقط مذهب. چنین نگاهی است که به گره‌گشایی از مشکلات امت می‌خواند، نه آن نگاه و گفتمانی که به هر کس او را نپذیرد، به چشم غیر و بیگانه می‌نگرد. نگاه خاص این گفتمان به اجتهاد و نقش عقلانیت و مصلحت در آن، موجب شده است که مقاومت در برابر محصولات مدرن و موضع انکاری نسبت به تحولات، پدیده‌ها و محصولات دنیای مدرن را راه حل نداند. چنان‌که همراهی چشم و گوش بسته با این تحولات و پدیده‌ها را بدون مطالعه اجتهادی سازنده نمی‌داند و معتقد است که چنین همراهی با نظام باورهای دینی و فرهنگ اسلامی ما سازگاری ندارد و ممکن است ما را در گذر زمان دچار مشکلات زیاد و استحاله فرهنگی سازد.

## ۹. نشانه‌ها، مفاهیم و اصول اساسی گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

هر گفتمانی بسته به اهداف خود، به مسایل و موضوعات معینی می‌پردازد و معطوف به آن اهداف و مسایل، مفاهیم، نشانه‌ها و اصول خاصی را تولید می‌کند و توسعه می‌دهد و در عین حال، مفاهیم دیگری را کنار می‌گذارد. گفتمان‌های مختلف، مفاهیم و مقولات مختلفی ارائه می‌کنند. گرچند در مواردی ممکن است مفاهیمی که یک گفتمان با توجه به اهداف، مسایل و موضوعات خود، تولید کرده است در گفتمانی دیگر بازاندیشی شود، به این معنا که در معنای سازگار با نظام معنایی آن گفتمان به کار رود ولی همیشه چنین نیست و چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ زیرا گفتمان‌های متفاوت، نظام‌های معنایی متفاوتی می‌سازند و در دل این نظام‌های معنایی متفاوت، مفاهیم، اصول و دال‌ها (نشانه‌ها)ی متفاوتی خلق می‌شود. حال سؤال این است که گفتمان علمی فرهنگی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله اولاً، چه مفاهیم، نشانه‌ها و اصولی را تولید می‌کند و توسعه می‌دهد؟ و ثانیاً، به چه مسایل، موضوعات و اهدافی متمرکز است؟

### ۹-۱. اصول اساسی گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

برای شناخت گفتمان حاکم بر یک نهاد یا تشکل فکری فرهنگی، اولین گزینه به دست آوردن دال‌ها، مفاهیم و اصول آن گفتمان است که غالباً در اساسنامه‌ها، سیاست‌ها (منشور فعالیت) و سخنان مسئولین تراز اول آن بازتاب می‌یابد. با توجه به منشور فعالیت جامعه المصطفی العالمیه و سخنان رئیس وقت المصطفی جناب آقای اعرافی این اصول را می‌توان به‌عنوان اصول اساسی این گفتمان برشمرد: اسلام‌محوری، عقل‌گرایی (عقلانیت)، معنویت‌خواهی، اخلاق‌مداری، تولید اندیشه دینی، تربیت دینی، اصالت حوزوی، ترویج اسلام شیعی، عمومیت مخاطب، پرهیز از فرقه‌گرایی، وحدت و هم‌گرایی اسلامی، تلاش برای اعتلای امت واحده، مناسبات نیکو با همه ادیان و مذاهب، رقابت حکیمانه با همه ادیان، مذاهب، اندیشه‌ها و مکاتب، اصل تعهد، تخصص و شایسته‌مداری و اصل آزاد اندیشی و صلح دوستی (المصطفی، ۱۳۹۶: ۵۰ - ۳۹؛ معاونت پژوهش، ۱۳۸۸: ۱۷۹، ۲۷۴، ۲۸۰، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۵۸ و ۴۲۸).

### ۹-۲. مفاهیم و نشانه‌های محوری در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

اگر مفاهیم و نشانه‌ها در صورت‌بندی گفتمان‌ها دارای نقش باشد به‌طور قطع مفاهیم و نشانه‌های محوری و مفاهیم پربسامد بیشترین نقش را خواهد داشت. برخی از مفاهیم و نشانه‌های که در منشور فعالیت المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و سخنان رئیس المصطفی محوریت و بسامد بیش‌تری دارند، این مفاهیم و نشانه‌ها است: اسلام، دین، معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، مذهب اهل‌بیت، شیعه،

فرهنگ اسلامی، عقلانیت، اعتدال، مصلحت، بیداری، معنویت خواهی، اخلاق مداری، وحدت اسلامی، همگرایی اسلامی، تقریب مذاهب، مصالح امت، رقابت حکیمانه، تخصص، تعهد، آزاد اندیشی و صلح دوستی (المصطفی، ۱۳۹۶؛ معاونت پژوهش، ۱۳۸۸: ۳۴، ۶۱، ۸۵، ۹۶، ۹۷ و ۱۳۲) گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله از مفصل بندی این نشانه ها حول دال مرکزی اسلام شیعه شکل گرفته است.

### ۹-۳. مسایل، موضوعات و اهداف گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله

همان طور که اشاره گردید، در هر گفتمانی بسته به اهداف، مسایل و موضوعات خاص پرورش می یابد و برجسته می شود. برای به دست دادن مسایل و موضوعات مهم و اساسی در این گفتمان باید پرده از اهداف این گفتمان برداشته شود. بر اساس آنچه که در منشور فعالیت المصطفی آمده است، دو هدف مشخص تربیتی و فرهنگی در این گفتمان دنبال می شود. هدف تربیتی گفتمان المصطفی صلی الله علیه و آله عبارت است از:

«تربیت عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس» (المصطفی، ۱۳۹۶: ۴۱).

هدف فرهنگی این گفتمان، از یکسو، تولید علم اسلامی و از سوی دیگر ترویج و نشر اسلام شیعی است:

«تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و توسعه نظریه های اسلامی در زمینه های گوناگون با توجه به نیازمندی های جوامع هدف؛ ... و نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله مبتنی بر معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام» (همان).

در واقع، این گفتمان در صدد است از طریق تحقق هدف تربیتی خود، دسترسی به هدف فرهنگی خویش را تسهیل کند و از قیل تولید علم، توسعه و تعمیق اندیشه های دینی و تربیت عالمان و محققان مسلمان، ترویج و تبلیغ معارف و آموزه های مذهب اهل بیت علیهم السلام را به شکل اصولی و گسترده ممکن و محقق سازد.

حوزه ها و رشته های علمی که در المصطفی صلی الله علیه و آله تدریس می شود نیز به نوعی می تواند از موضوعات و مسایلی مورد اهتمام در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی پرده بردارد. این علوم و حوزه های علمی در سه بخش و حوزه کلی قابل تقسیم است: علوم اسلامی و علمی که از قدیم در حوزه های علمیه رایج بود است؛ علوم عقلی مانند فلسفه، عرفان و کلام و علوم اجتماعی و انسانی با رویکرد اسلامی. در این حوزه ها، رشته های زیادی وجود دارد که هر کدام مسایل و موضوعات خاص خود را دارد و به مسایل و موضوعات مشخص از دیدگاه خاص می پردازد.

## ۱۰. قدرت تعریف و قابلیت دسترسی در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی

شکل‌گیری هر گفتمانی تنها از طریق اعمال قدرت میسر است و قدرت در نظریه لاکلائو و موفه، عبارت است از قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آن‌چه آن را نفی می‌نماید. گفتمان‌ها به‌وسیله‌ی چنین قدرتی است که «غیر» را طرد و «خود» را تثبیت می‌کنند و در مصاف «ضدیت» و «غیریت» به وسیله اعمال چنین قدرتی، بر یکدیگر پیروز می‌شوند، این واقعیت که پیروزی هیچ گفتمانی از پیش تعیین شده نیست، از نقش اساسی قدرت در بقاء یا نابودی گفتمان‌ها پرده بر می‌دارد. قدرت یک گفتمان، از طریق برجسته‌سازی، معنای خاص برای نشانه‌ها، تبلور می‌یابد و با تولید اجماع بر آن معنا، آن را در افکار عمومی هژمونیک می‌سازد. از سوی دیگر به کمک حاشیه‌رانی، می‌کوشد معنای ارائه شده توسط گفتمان رقیب را به حاشیه براند و دال مرکزی آن را ساختارشکنی کند (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸). عقلانیت و ظرفیت‌های موجود در آموزه‌های اسلام شیعی و میراث معرفتی حوزه‌های علمیه شیعه، می‌تواند چنین قدرتی را در اختیار گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی قرار دهد و این گفتمان را از ساز و کار تعریف و تحمیل، سرشار سازد.

واقعیت بسیار مهم که نباید از آن غفلت شود این است که عرصه‌های اجتماعی هیچ وقت از مشکل تهی نیست. به عبارت واضح‌تر، عرصه‌های اجتماعی، همواره عرصه ظهور بحران‌ها و مشکلات به صورت متوالی و متواتر است، واقعیتی که طبیعی‌ترین پیامدش، سلب ثبات از شرایط و عرصه‌های اجتماعی است. این بحران‌ها با تمهید موجبات بی‌قراری و ضعیف جلوه دادن مفصل‌بندی‌های هژمونیک، گفتمان‌ها را با چالش مواجه می‌سازند و به تعبیری، پاشنه آشیل گفتمان‌ها هستند؛ زیرا در اذهان سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین را که بتواند مشکلات موجود را بر طرف سازد، پدید می‌آورند. از منظر گفتمانی بازسازی شرایط ثبات و غلبه بر بحران‌ها، از راه نظریه‌پردازی و بازسازی تئوریک ممکن می‌گردد. لاکلائو این نوع نظریه‌پردازی را اسطوره<sup>۱</sup> می‌نامد که در صدد ترسیم یک فضای آرمانی برای جامعه است، فضای آرمانی که در آن از بحران‌ها و مشکلات موجود اثری نیست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳ و ۳۴).

اصل «همگرایی و اخوت اسلامی» که در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله بر آن بسیار تأکید می‌شود و در سخنان مسئولین و سیاست‌های المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله بازتاب گسترده دارد (معاونت پژوهش، ۱۳۸۸: ۶۳)<sup>۲</sup>، نوعی اسطوره و نظریه آرمانی اجتماعی است که مجموعه گسترده‌ای از تنوعات و تمایزات و اختلافات عمیق را در پوشش مفهومی خود پنهان می‌سازد و تصویری از جهانی آرمانی که در آن جوامع و مذاهب اسلامی با تکیه بر مشترکات خویش در پی

<sup>۱</sup> Myth

<sup>۲</sup> . همین‌طور در صفحات (۸۱)، (۱۷۹)، (۲۷۴)، (۲۸۰)، (۳۰۹)، (۳۱۱)، (۳۵۸)، (۴۲۸) و ... بر اخوت و همگرایی به‌عنوان یک سیاست تأکید شده است. چنانکه در سیاست‌های ارزشی المصطفی، بند ۵، بر این سیاست تأکید شده است.



برقراری صلح و آرامش در جهان اسلام، ارائه می‌نماید و صورت‌بندی خاصی از نظام بین‌المللی اسلامی را بر اساس این تصور به وجود می‌آورد.

اسطوره اخوت و همگرایی اسلامی، در صورتی می‌تواند گفتمان علمی فرهنگی المصطفی را به یک گفتمان هژمون و مسلط تبدیل کند که به «تصور اجتماعی»<sup>۱</sup> ارتقاء یابد. «تصور اجتماعی» برخلاف اسطوره که تقاضاهای یک گروه یا طبقه‌ی خاص از جامعه را نمایندگی می‌کند، همگانی است و بخش‌های گوناگون جامعه را نمایندگی می‌کند. در واقع تصور اجتماعی، فضای آرمانی خلق شده توسط یک اسطوره است که در میان افراد جامعه به شکلی فراگیر عمومیت یافته است. این عمومیت و فراگیری برای اسطوره در وضعیتی میسر است که بتواند خود را از سطح نیازها و تقاضاهای موجود جامعه فراتر برد و شکلی استعاری به خود بگیرد. معمولاً گفتمان‌ها در این حالت خود را عام و جهان شمول نشان می‌دهند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸).

روی‌هم‌رفته، گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، اگر بتواند از طریق عاملیت سوژه‌های خود، یعنی دانشجویان و تحصیل‌کردگان المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله از کشورهای مختلف، به صورت گسترده، وضع مطلوب و آرمانی خود را باز نمای کند، با استقبال و مطلوبیت عمومی مواجه خواهد شد؛ زیرا هم از شرط در «دسترس بودن»<sup>۲</sup> برخوردار است و هم «قابلیت اعتبار»<sup>۳</sup> کافی دارد، به این معنا که شرایط بحرانی‌ای که از قِبَل اختلافات مذهبی و درگیری‌های ایدئولوژیک بر جوامع اسلامی تحمیل شده است، مردم مسلمان و ساکنان این جوامع را به ستوه آورده است، در این وضعیت، هر گفتمانی که به «وحدت و اخوت»، «پرهیز از فرقه‌گرایی» و «هم‌گرایی و برادری» دعوت کند، در دسترس‌ترین گفتمان موجود است. گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی، از گفتمان‌ها و شاید هم تنها گفتمانی است که از طریق زنجیره‌ای از نشانه‌ها، با صداقت و جدیت به این اصول دعوت می‌کند و این اصول در آن نقش محوری دارند. از طرف دیگر، اصول پیشنهادی این گفتمان که متخذ از دین و آموزه‌های دینی است با اصول و ارزش‌های مخاطبان، هیچ‌گونه ناسازگاری ندارد. با این اوصاف، شرایط هژمون شدن برای گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی در شرایط کنونی فراهم است.

## ۱.۱. عقلانیت و مکانیسم‌های نوین در گفتمان علمی فرهنگی المصطفی

گرچه تا کنون هژمونی گفتمان سلفی در دنیایی اسلام، چیزی نیست که بتوان نادیده انگاشت یا از کنار آن به سادگی عبور کرد. حضور و نفوذ عمیق و تا حدود فراگیر این گفتمان در فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، از سلفیه، یک نیروی قدرت‌مند و مؤثر ساخته است. در مناسبات فکری و

<sup>1</sup>. Social imagination

<sup>2</sup>. Availability

<sup>3</sup>. Credibility

فرهنگی، جریانی تا حدودی مسلط و در معادلات سیاسی و نظامی، واقعیتی است انکار ناپذیر. اما غیریت‌سازی‌های جنون‌آمیز و گسترده‌ی این گفتمان به علاوه عقل‌گریزی، تصلب، خشونت و جزم‌گرایی مشدد حاملان آن، موجبات تولید و تولد بحران‌ها و معضلات بسیاری را در سطح جهان و جوامع اسلامی فراهم آورده است. درگیری‌های ایدئولوژیک و اختلافات خونین مذهبی از جمله این بحران‌ها است. در شرایط بحرانی، به‌ویژه اگر بحران‌ها رو به تزاید باشد، اولین پیامد، سست شدن باور سوژه‌ها و عاملان اجتماعی نسبت به توان گفتمان مسلط در حل بحران‌ها است. به عبارتی دیگر، در شرایط بحرانی اگر گفتمان مسلط نتواند چاره‌ای در حل و تقلیل بحران‌ها بسنجد و کارآمدی خود را در حل بحران‌ها و بی‌قراری‌های اجتماعی نشان دهد، «قابلیت دسترسی» و «قابلیت اعتبار» خود را به تدریج از دست خواهد داد و به وسیله گفتمان رقیب به حاشیه رانده خواهد شد. گفتمان سلفی اکنون دقیقاً در چنین وضعیتی قرار دارد و نتوانسته است بحران‌ها را کنترل و یا حل کند. در این شرایط زمینه برای مطلوبیت عمومی یافتن دال‌های خالی گفتمان رقیب، یعنی دال‌های همانند «اخوت اسلامی»، «همبستگی دینی»، «تقریب مذهب»، «اعتلای امه واحده» و... تا حدود زیادی فراهم است. شاید توجه به این واقعیت است که سیاست‌های المصطفی را متأثر ساخته است، به نحوی که تقریب، همگرایی و اخوت اسلامی را در رأس سیاست‌ها و اصول المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داده است. این سیاست در سخنان جناب آقای اعرافی ریاست پیشین المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز انعکاس گسترده دارد (معاونت پژوهش، ۱۳۸۸: ۹۶ و ۹۷). در واقع این دال‌ها و چنین سیاست‌هایی تلاش برای بازنمایی از وضعیت آرمانی و استعاری است که گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، ترسیم و تصویر کرده است تا زمینه را برای برجسته‌سازی معنای خود از این دال‌ها و هژمون شدن فراهم سازد. با این اوصاف، گفتمان علمی فرهنگی المصطفی اکنون از شرط «در دسترس بودن» و «قابلیت اعتبار» برخوردار است؛ زیرا از یکطرف، شرایط اجتماعی در دنیای اسلام طوری رقم خورده است که در تصویر و تصور سوژه‌ها و عاملان اجتماعی، گفتمانی که مشتمل بر دال‌های مانند «اخوت»، «همگرایی»، «تقریب» است، در دسترس‌ترین گفتمان موجود برای جای‌گزینی گفتمان مسلط، برآورد می‌شود. از سوی دیگر، گفتمان علمی فرهنگی المصطفی، تا حد زیادی مبتنی بر واقعیات زندگی مخاطبان مسلمان و سازگار با باورهای و ارزش‌های آن‌هاست.

گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، اگر مدعی ساز و کارهای لازم برای حل و کنترل بحران‌های موجود و پاسخگویی به سؤالات انسان معاصر است و می‌خواهد وجه صلح‌جو، کارآمد و عقلانی اسلام را برای بشر عرضه کند، ضرورت دارد به معیارهای نوین روشی، آموزشی و پژوهشی مسلح باشد. اساساً، در رقابت‌های فکری، جای شعار نیست. نباید اجازه داده شود که رقابت‌های فکری در سطح شعارهای پرطمطراق و جذاب، منحصر شود. با توجه به امکان‌ها و ظرفیت‌های موجود در دنیای امروز، اکتفا به ظواهر و شعار، هرچند جذاب باشد، نمی‌تواند مخاطب را به تمکین و تسلیم قلبی وادارد، اساساً طبیعت بشر چنین سرشته شده است که در عرصه‌های فکری

و علمی کم‌تر در برابر شعارهای جذاب، تمکین کنند و اگر چنین تمکینی باشد پایدار نیست. آنچه که می‌تواند شعارها را در این عرصه، فراگیر و آموزه‌ها را همه پسند و نافذ نماید، مکانیسم‌های ارائه و حضور و نفوذ عقلانیت، کارآمدی و منطق عقلانی در این مکانیسم‌ها است. نشستن بر سر سفره معارف و میراث عقلانی به تنهایی جذابیت آفرین نیست، بلکه باید آن میراث در ساز و کارهای پذیرفته شده و قالب‌های قابل قبول از نقطه نظر عقلانی، ارائه شود و با استانداردهای روز هماهنگ و سازگار باشد. این مهم گرچه در عمل چندان نمودی نداشته است اما در سخنان ریاست المصطفی (معاونت پژوهش، ۱۳۸۸: ۴۰۰) و همین‌طور سیاست‌های آن بازتاب گسترده دارد. در سیاست‌های آموزشی المصطفی «ارتقای دائمی نظام تعلیم و تربیت» بر اساس «فلسفه تعلیم و تربیت دینی»، «آخرین یافته‌های علمی» و «استانداردهای آموزشی» از اصول محوری دانسته شده است (المصطفی، ۱۳۹۶: ۴۵ و ۴۶). چنان‌که از سیاست‌های فراجشی این نهاد است:

«استفاده از اصول علمی، روش‌های مؤثر و منعطف (زبان و ادبیات) و ابزارهای متناسب در ارتباط با مخاطبان» (المصطفی، ۱۳۹۶: ۴۳).

به‌طور قطع، گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله اگر نتواند قدرت و ظرفیت لازم برای اتخاذ واکنش‌های مناسب و متناسب با بحران‌ها و چالش‌های موجود در دنیای اسلام را در خود فراهم سازد، نمی‌تواند هژمون و تثبیت شود. معمولاً گفتمان‌ها زمانی به حاشیه رانده می‌شوند که میان بحران‌ها و چالش‌های موجود و واکنش آن گفتمان، تناسب و هم‌خوانی وجود نداشته باشد. اگر بپذیریم که کارآمدی و عقلانیت، دو شاخص مناسب برای ارزیابی روش‌ها و سیاست‌ها در هر دوره تاریخی هستند، ضروری است که عاملان این گفتمان، از طریق بازتعریف روش‌ها و سیاست‌ها و تحول در پیش فرض‌ها و تصورات اولیه خود از دنیای پیرامونی و مخاطبان خویش، به تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلام شیعی و رویارویی با چالش و بحران‌ها برود، تا به حاشیه نرود و هژمونی‌اش به عنوان قرائت متمایز و اصیل از اسلام تثبیت گردد.

## ۱۲. دامنه گسترده مخاطبان گفتمان علمی فرهنگی المصطفی و الزامات آن

گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله اگر از این جهت که دغدغه‌ی ترویج و نشر آموزه‌های اسلامی را دارد و در صدد است معارف اسلام شیعی را به‌صورت نظام‌مند و علمی به دنیا ارائه کند، قطعاً جهان شمول است و فراگیر؛ زیرا آموزه‌ها و معارف اسلامی در ذات خود جهان‌شمول است و مخاطب این آموزه‌ها، انسان است، نه انسان در فرهنگ خاص، قوم خاص یا جغرافیای خاص. از این لحاظ تقلیل و فروکاستن این گفتمان به قوم، فرهنگ یا جغرافیایی خاص درست نیست. سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در المصطفی صلی الله علیه و آله نیز نشان می‌دهند که گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی الله علیه و آله، جهان شمول است و تمام بشر در سراسر دنیا و تمام جوامع و

فرهنگ‌ها، مخاطب این گفتمان است. سه بند از سیاست‌های فرابخشی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، مشتمل بر این ادعا است:

#### الف) بند ۴:

«توجه اکید به تحولات بین‌المللی و تأثیر آن بر فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، برای عدم انفعال و اثر گذاری بر نظام فکری و معرفتی جهان و انطباق با شرایط پیچیده و تحولات و تطورات جهانی و کشورها.»

#### ب) بند ۵:

«تعامل سازنده با همه ادیان و مذاهب و آمادگی رقابت حکیمانه با همه اندیشه‌ها و مکاتب با حفظ و صیانت و اعتلا و عمق بخشی به هویت اسلامی»

#### ج) بند ۶:

«گسترش دامنه‌ی فعالیت به همه‌ی کشورها، ملیت‌ها، فرهنگ‌ها و اقوام و ...» (المصطفی، ۱۳۹۶: ۴۲).

قطعاً جهان شمولی به ادعا نیست و اگر واقعیت داشته باشد، الزامات مختص به خود را تولید می‌کند، از جمله این الزامات همان‌طور که در بند ۴ سیاست‌ها، نیز به نیکی اشاره شده است، برنامه‌های به روز و برنامه‌ریزی دقیق و مطابق با معیارهای پذیرفته شده‌ی علمی است تا بتواند اثرگذار باشد و به حاشیه رانده نشود. چنان‌که از الزامات مهم آن فراهم ساختن ابزارها، امکانات و منابع مورد نیاز و اتخاذ رویکردهایی است که بتواند در صحنه رقابت، پیروزی و پیشتازی را تأمین و تضمین کند. از جمله، منابع و امکانات مورد نیاز، به کارگیری اساتید متخصص در تمام رشته‌ها و تدوین گرایش‌ها و سرفصل‌هایی است که بتواند نیازهای موجود در این سطح گسترده را پاسخگو باشد. پیشتاز شدن در رقابت با رقیبان قدرتمند از نگاه علمی و تأثیرگذاری فرهنگی، آن هم رقبایی که در سطح جهان سخن برای گفتن دارند، برنامه‌ها، منابع انسانی و اساتید قدرتمند از نگاه علمی را می‌طلبند.

### ۱۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور تحلیل گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام شده، و حول سه محور ذیل سامان گرفته است:

الف) چرایی و چگونگی تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

اگر بخواهیم تولد گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله را از نقطه نظر نسبت این گفتمان با گفتمان مسلط ولایت فقیه، نگاه کنیم، گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله در ذیل گفتمان ولایت فقیه و در حاشیه اقتدار و هژمونی آن متولد شده است. در واقع، این گفتمان به مثابه سوژه‌ای است که هویت خود را در درون گفتمان مسلط یافته و خود را در موقعیت سوژگی گفتمان ولایت فقیه تعریف می‌کند. چنان‌که اگر نقش سیاست و سیاستگذاری‌ها، در تولد این گفتمان دنبال شود، به این نتیجه منتهی می‌شود که این گفتمان معرفتی و نهاد مدیریتی المصطفی، نوعی خاکریز فرهنگی است که کارکردش تعیین مرزهای هویت فرهنگی و دفاع از عمق استراتژیک فکری و فرهنگی شیعه در سطح بین‌الملل و به‌طور غیر مستقیم دفاع از ارزش‌های گفتمان ولایت فقیه است.

### ب) محور دوم، هویت گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

هویت هر گفتمانی از نسبتی که با دیگر گفتمان‌ها برقرار می‌کند احراز می‌شود. بر این اساس، یک گفتمان می‌تواند به تعداد غیرهای خود هویت داشته باشد. گفتمان علمی فرهنگی المصطفی نیز چنین است. یکی از «غیر»ها و «دیگر»های جدی که در برابر گفتمان علمی فرهنگی المصطفی قرار دارد، گفتمان سلفی است. در این نوشته، هویت المصطفی از نقطه نظر غیریت‌سازی با این گفتمان، جستجو شده است.

گفتمان سلفی به طور مشخص، گفتمان رادیکالی است که در دنیایی معاصر گروه‌های تندرو مانند طالبان، القاعده، داعش و النصره را تولید کرده است. سلفی‌گری، از جریان‌های خردگرای در جهان اسلام است. مهم‌ترین اصل معرفت‌شناختی گفتمان سلفی «نقل‌گرایی» و ترجیح «نقل» بر «عقل» است. در گفتمان سلفی، اساساً، عقل در شئون دینی فاقد صلاحیت بر آورد می‌شود و هر چه بر عقل‌گرایی در حوزه معرفت دینی اضافه شود از سلفی‌گری فاصله گرفته می‌شود. به‌طور خلاصه، گفتمان سلفی، هیچ‌گونه، گرایش عقلی، فلسفی و کلامی در حوزه دیانت را بر نمی‌تابد، با این وجود مدعی نمایندگی انحصاری از اسلام است و تنها جریان سلفی را جریان اسلامی می‌داند. عقل‌گرایی مفرط، سبب شده است که شاخه‌های افراطی این گفتمان، هر امر جدید و کل آموزه‌های دنیای مدرن را مردود شمارند، وجود احزاب سیاسی و پدیده‌های سیاسی اجتماعی مانند انتخابات، دموکراسی و مشارکت مردم در مناسبات و معادلات سیاسی را تقلید از کافران و حرام اعلان کنند. در این نگرش، مسلمانی و عدم مسلمانی، منوط به اعتقاد یا عدم اعتقاد به ایدئولوژی سلفی است، از همین‌رو، هر کسی سلفی نباشد و مانند سلفیان اندیشه نکند، «دشمن» و «غیر» تلقی می‌شود. خشونت و تصلب در این گفتمان به حدی است که «تهدید» و «تکفیر» را از رایج‌ترین و پرمسامدترین نشانه‌های نظام معنایی سلفی ساخته است.

در مقابل، گفتمان علمی و فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، با دالّ مرکزی اسلام شیعی حول محور تعقل، عقلانیت، مدارا و هم‌پذیری مفصل‌بندی شده است این گفتمان، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلانی اسلام شیعی و میراث معرفتی حوزه علمیه، برای عقلانیت، تفکر و مناسبات نیکو با سایر مذاهب اسلامی و سایر ادیان جایگاه ویژه قابل است و می‌کوشد نگرش جدید و متمایزی خود نسبت به عالم و آدم را در معرض دید جهانیان قرار دهد.

### ج) نشانه‌ها، اصول، اهداف، مسایل و موضوعات گفتمان المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله

هر گفتمانی بسته به اهداف خود، به مسایل و موضوعات معینی می‌پردازد و معطوف به آن اهداف و مسایل، مفاهیم، نشانه‌ها و اصول خاصی را تولید می‌کند و توسعه می‌دهد و در عین حال، مفاهیم دیگری را کنار می‌گذارد. گفتمان‌های مختلف، مفاهیم و مقولات مختلفی ارائه می‌کنند. گفتمان علمی فرهنگی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز چنین است. چنانکه گذشت، نشانه‌ها و اصولی دارد که نظام معنایی او را از نظام معنایی گفتمان‌های رقیب به ویژه گفتمان سلفی متمایز می‌سازد و اهداف، موضوعات و مسایلی مطرح در گفتمان المصطفی، دایره این تفاوت‌ها را تکمیل می‌سازد.



## منابع

- آدمی، علی و عبدالله مرادی (۱۳۹۴). «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌های هنجاری». **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره سوم.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). «گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن امنیت خاورمیانه». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره چهارم.
- اسپوزیتو، جان وال (۱۳۹۲). **جنبش‌های اسلامی معاصر**. ترجمه احمدوند، تهران: نشر نی.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). **القاعده**. تهران: اندیشه سازان نور.
- اسماعیلی، محمد جواد، علیرضا شجاعی‌زند، علی ساعی و احمد رضا یزدانی مقدم (۱۳۹۵). «جایگاه تحلیل گفتمان در بررسی اندیشه انقلاب اسلامی». **جامعه‌شناسی تاریخی**، دوره ۸، شماره ۱.
- اشترینان، کیومرث (۱۳۹۱). **مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی**. تهران: جامعه‌شناسان.
- بابی سعید (۱۳۷۹). **هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایی**. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمانی در باز اندیشی اجتماعی». **سیاست**، شماره ۹، برنز، اریک (۱۳۷۳). **میشل فوکو**. ترجمه بابک احمدی، تهران: کهکشان.
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). **مقدمه گرد آورنده بر کتاب تحلیل انتقادی گفتمان**. نوشته نورمن فرکلاف، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۷). «نسبت علم و فرهنگ». **راهبرد فرهنگ**، سال اول، شماره دوم.
- پاشاپور، حمید (۱۳۸۲). **نهضت‌های اسلامی‌باز یگران جدید نظام بین‌الملل**. تهران: اندیشه‌سازان نور.
- پورساعدی، کاظم (۱۳۷۲). «در آمدی به سخن کاوی». **مجله زبان‌شناسی**، دوره ۱۰، شماره ۱.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۷). «متن، وانموده و تحلیل گفتمان (۲)». **گفتمان**، شماره ۱.
- (۱۳۷۹). **گفتمان و تحلیل گفتمانی**. تهران: فرهنگ گفتمان.
- (۱۳۸۳). **گفتمان، یاد گفتمان و سیاست**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- (۱۳۸۵). «مارکسیسم و پسا مارکسیسم». **پژوهش علوم سیاسی**، شماره دوم.
- (۱۳۸۷). «امام، قدرت گفتمان». روزنامه ایران.
- جنتی، علی (۱۳۹۰). **پیشینه تاریخی و تحولات مکتب سلفی**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حسینی‌فر، عبدالرحمن و فاطمه امیری پریان (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان به مثابه روش». **جستارهای سیاسی معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)**، سال پنجم، شمار اول.
- حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی». **علوم سیاسی**، سال ۷، شماره ۲۸.
- (۱۳۸۶). **اسلام سیاسی در ایران**. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۷). **تحلیل گفتمانی انقلاب اسلامی**. مسکو: اداره فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در روسیه.

- (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمانی وحدت شیعه و سنی». **شیعه‌شناسی**، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
- حنفی، حسن (۲۰۰۲). **الاسلام السياسي بين الفكر و الممارسة فى كتاب: الحركات الاسلاميه و اثرها فى استقرار السياسي فى العالم العربى**. ابو ظبى: مركز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتيجية.
- خانیکى، هادى (۱۳۹۲). **در جهان گفتگو: بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم**. تهران: هرمس.
- دریفوس، هیوبرت و رایینو، پل (۱۳۷۶). **میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- راینهارد، شولتسه (۱۳۸۹). **تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم**. ترجمه ابراهیم توفیق، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۳). **سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رضایی جعفری، محسن، آقا حسینی، علیرضا و علی حسینی، علی (۱۳۹۵). «گفتمان انقلاب اسلامی ایران و الزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه». **فصلنامه مطالعات راهبردی، سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ششم، شماره ۲۰
- سرایى، حسن، سروش فتحی و زهرا زارع (۱۳۸۷). «روش کیفی در مطالعات اجتماعی». **پژوهش‌نامه علوم اجتماعی**، سال دوم، شماره سوم.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». **مجله علوم سیاسی**، شماره ۲۸.
- سلیمی، اصغر (۱۳۸۳). «گفتمان در اندیشه فوکو». **کیهان فرهنگی**، شماره ۲۱۹.
- سید باقری، کاظم (۱۳۹۰). «نقش مصلحت در تحول فقه سیاسی شیعه پس از انقلاب اسلامی». **مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۴۲.
- شجاعی زند، علیرضا و حسینعلی قجری (۱۳۸۷). «قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی اندیشه‌ای». **پژوهش‌نامه متین**، شماره ۴۰.
- شریعتی، شهروز (۱۳۹۲). «نئوسلفیسم: خنثی‌سازی بیداری اسلامی از درون». **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سری ۷، شماره ۱۸-۱۹.
- صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی». **مجله معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال دوم، شماره سوم.
- ضمیران، محمد (۱۳۸۷). **میشل فوکو، دانش و قدرت**. تهران: هرمس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). **گفتمان و جامعه**. تهران: نشر نی.
- غفاری هشجین، زاهد و قدسی عزیزاده (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)». **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره ۱۱.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل گفتمان انتقادی**. گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.
- فلیپ، مارک (۱۳۸۱). «میشل فوکو». ترجمه یعقوب موسوی، **فصلنامه گفتمان**، شماره ۵.



- فوزی، یحیی (۱۳۸۹). «گونه‌شناسی فکری جنبش‌های اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی امنیتی آن در جهان اسلام». **مجله مطالعات راهبردی**، دوره ۱۳، شماره ۴.
- کسرابی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزار کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، شماره ۳.
- کلاتتری، صمد، محمد عباس‌زاده، موسی سعادت، رعنا پورمحمد و نیر محمدپور (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی». **مجله جامعه‌شناسی**، شماره ۴.
- کلاتتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). **گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی**. تهران: جامعه‌شناسان.
- کوبلی، پاول (۱۳۸۷). «نظریه‌های ارتباطات» ترجمه گودرز میرانی، جلد ۴، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لاکلاو، ارنستو (۱۳۷۹). **واسازی، عمل‌گرایی، هژمونی**. مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی. پدیدآورنده: محمد رضا تاجیک، ترجمه جواد علی صدوقی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- لاکلاو، ارنستو و شانتال موفه (۱۳۹۲). **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی**. ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.
- المصطفی (۱۳۹۶). **کتاب نجم**. ج ۱، قم: المصطفی.
- معاونت پژوهش (۱۳۸۸). **خرد ناب**. جج ۱ و ۲، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- مک دائل، دایان (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان تا پایان ۱۹۶۰». ترجمه حسینعلی نوذری، **فصلنامه گفتمان**، شماره ۲.
- (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**. ترجمه حسین علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). **رسانه‌ها و بازنمایی**. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- موتقی، احمد (۱۳۸۰). **جنبش‌های اسلامی معاصر**. تهران: سمت.
- میلز، سارا (۱۳۸۲). **گفتمان**. ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷). «سیاست، غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام». **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، شماره ۱.
- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۵). **شالوده‌شکنی**. ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- هال، استوارت (۱۳۸۶). **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**. ترجمه محمود متحد، تهران: آگه.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان». ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- وصالی مزین، یوسف (۱۳۸۶). **عرب‌های افغان**. ترجمه اندیشه سازان نور، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی**. ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.
- ویتگنشتاین، لودویگ یوزف یوهان (۱۳۷۱). **رساله منطقی فلسفی**. ترجمه میر شمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران: امیر کبیر.
- یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان چیست». **ماهنامه روابط عمومی**، سال دهم، شماره ۶۰.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران